

سرنوشت تلخ آنژی که رویاهای بزرگی داشت

استیل آذین روسیه!



تبلغيات اتونو

کسب کرده و تنها افتخارات تیم که دو بار قهرمانی در دسته اول فوتبال روسیه بود به سال های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۹ برمی گشت که هنوز مالکان جدید زمام امور را در دست نگرفته بودند. تنها حضور آنژی در مسابقات اروپایی به فصل ۲۰۰۲-۲۰۰۱ برمی گشت که در جام یوفا به مصاف رنجرز اسکاتلند رفتند اما توفیقی نداشتند. در سال ۲۰۱۱ وقتی کریموف باشگاه را خرید و تغییرات آغاز شد، هدف اصلی او رساندن تیم به لیگ قهرمانان و رقابت با باشگاه های بزرگ اروپایی بود. این میلیونر روس به سرعت برای خرید ستاره ها دست به کار شد و درحالی که کمتر بازیکن بزرگی حاضر می شد در چنین باشگاهی بازی کند، او با پرداخت دستمزدهای بالا نفراتی چون اتوو را برای حضور در این باشگاه متقاعد کرد.

در میانه های فصل ۲۰۱۲-۲۰۱۱ آنها برای هدایت تیم هم به سراغ یک چهره نامدار و شناخته شده رفتند و گاس هیدینک، سرمربی هلندی سابق تیم ملی روسیه را روی نیمکت خود نشاندند. حضور هیدینک باعث شد بازیکنان راحت تر به پیشنهاد این تیم پاسخ مثبت دهند و به سرعت با روبرتو کارلوس، مدافع چپ مشهور برزیلی و همچنین دیو گو تاردلی، دیگر ملی پوش این کشور به توافق رسیدند. حالا دیگر نام آنژی در فوتبال دنیا سر زبان ها افتاده بود و طرفداران فوتبال از خود سوال می کردند این باشگاه دیگر از کجا پیدا شده است؟

سایر بازیکنان بزرگ باز کند در آن زمان در مصاحبه ای گفت: «بسیار خوشحالم که حالا بازیکنان زیادی به حضور در لیگ روسیه فکر می کنند. بسیاری از آنها بازیکنان خوب و مهمی هستند و درحال حاضر به باشگاه های مختلف روسیه لینک شده اند. این توفیق بزرگی برای آنژی است، چرا که این باشگاه این فرصت را در اختیار فوتبال روسیه قرار داده تا ستاره های بزرگی در آن به بازی مشغول شوند. حالا توجهات بسیاری به اینجاست و سرنوشت کاملا متفاوتی برای آنها رقم خورد. خرید بعدی آنژی بوری ژیرکوف ملی پوش روس بود که در چلسی بازی می کرد و در آن زمان یکی از نفرا ت برتر فوتبال کشور محسوب می شد. البته این پایان کار نبود و بلندپروازی های مالک متمول باشگاه به همین جا ختم نشد، او به سراغ مهره ای مشهورتر در آن دوران رفت و ساموئل اتوئو کامرونی را که تنها یک سال از قهرمانی اش با اینترمیلان در لیگ قهرمانان می گذشت با پیشنهادی و سوسه کنده به خدمت گرفت.

مسلمها به این سادگی نمی شد چنین مهاجم خوبی را به خدمت گرفت و به همین دلیل باشگاه مجبور شد حقوق هنگفتی ۳۴۴ هزار پوندی را برایش در نظر بگیرد تا اتوو در آن زمان بیشترین دستمزد را در میان همه ستارگان فوتبال دنیا دریافت کند. حالا همه منتظر بودند تا حاصل این همه ولخرجی و پولپاشی را در زمین مسابقه ببینند. اتوو که قرار بود راه را برای



سیامک حاجی

خبرنگار گروه ورزش

در اوایل قرن بیست و یکم چهره فوتبال درحال تغییر بود و سرمایه گذاران زیادی از نقاط مختلف دنیا به دنبال در اختیار گرفتن مالکیت باشگاه های مختلف و بهره برداری از این صنعت پولساز بودند. درحالی که در این سال ها این افراد به سراغ باشگاه های حاضر در لیگ های معتبر نظیر چلسی، منچستر سیتی، نیوکاسل، پاری سن ژرمن، موناکو، میلان، اینتر و حتی مالاگا اسپانیا رفته اند اما موردی عجیب یکی از افراد متمول روس تصمیم گرفت روی یکی از باشگاه های این کشور سرمایه گذاری کند. در اوایل سال ۲۰۱۱ باشگاه آنژی ماخاچکالا که تنها ۲۰ سال از تاسیس آن می گذشت، توسط سلیمان کریموف خریداری شد تا آنها را به یکی از غول های روسیه و حتی اروپا تبدیل کند. البته بعدها مشخص شد درحقیقت این ماگومدسلام ماگمدوف، رئیس جمهوری منطقه خودمختار داغستان بود که پول خرید سهام این باشگاه را در اختیار کریموف قرار داده و درحقیقت مالک باشگاه ماگمدوف است. حتی اخباری مثل اهدای اتومبیل ۱٫۵ میلیون دلاری برای تولد روبرتو کارلوس از سوی مالک باشگاه سرودسای زیادی به پا کرد. حالا با گذشت حدود یک دهه از این اتفاق، باشگاه نه تنها جایی در میان بزرگان ندارد بلکه پس از اینکه فصل قبل در دسته سه روسیه در رده نهم قرار گرفت، نهایتا به دلیل ناتوانی در کسب لایسنس حرفه ای منحل شد و رویای هواداران این تیم پایانی تلخ و ناباورانه داشت. سرنوشتی شبیه تیم استیل آذین در لیگ برتر ایران که با خرید ستاره های بزرگ با توپ پر شروع کرد اما به جایی نرسید و درنهایت هم محو شد.

سرمایه گذاری آقای رئیس جمهور

تیمی که از منطقه داغستان روسیه در رقابت های لیگ این کشور بازی می کرد و تا پیش از آن زمان سابقه چندانی در رقابت های اروپایی نداشت، ناگهان دچار تغییرات گسترده ای شد و مالکان جدید با خرید ستاره های نامدار آن زمان و پرداخت دستمزدهای نجومی به آنها سعی در ساختن تیمی کپشانی داشتند. اگرچه ستاره هایی چون ساموئل اتوئو، ویلیان و روبرتو کارلوس در آن زمان برای حضور در تیمی متوسط در روسیه متقاعد شدند اما تنها پس از یک دهه نه تنها خبری از اوچ گیری باشگاه نیست بلکه حتی نامی هم از آن دیگر در فوتبال روسیه وجود ندارد. آنژی درحالی فصل قبل را در دسته سه روسیه سپری کرد که در پایان رقابت ها رتبه ای بهتر از نهمی به دست نیاورد و جالب اینکه همسایه و رقیب آنها یعنی دینامو ماخاچکالا موفق شد به سطح بالاتر صعود کند. مدیران باشگاه تلاش کردند مجوز حرفه ای خود برای فصل جدید را تمدید کنند اما درنهایت در این کار ناکام بودند و این به معنای انحلال باشگاهی بود که زمانی سرودسای زیادی در فوتبال جهان به پا کرده بود. پایانی تلخ و ناراحت کننده برای تیمی که زمانی ستاره های بزرگی پیراهن آن را به تیم می کردند. لاسانانا دیارا، امیر اسپانیج و هوگو آلمیدا دیگر بازیکنان شناخته شده ای هستند که در آن سال ها برای این باشگاه به میدان رفتند و قرار بود آنژی را به عنوان یکی از مدعیان فوتبال روسیه مطرح کنند اما درنهایت هرگز نتوانستند توفیقی

گزارش



نیلوفر مذهبی

خبرنگار

تیم تراکتور تبریز فصل سختی را در دوره بیست و یکم لیگ برتر پشت سر گذاشت و حتی در مقطعی جزء گزینه های سقوط بود. تراکتور به سقوط آنقدر نزدیک بود که حتی در باشگاه تبریزی در این مورد حرف زده بودند و برای سقوط احتمالی برنامه داشتند. تراکتوری ها در همان مقطع اما به بقا امیدوار بودند و حتی در بخش دیگری از فعالیت های خود برای بقا برنامه ریزی کردند. تیمی که در مقطعی به قطبی در فوتبال تبدیل شد و یک قهرمانی حذفی در سال های اخیر را در کارنامه داشت و در چند دوره متوالی یکی از نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا بود، ناگهان به چنان حواشی ای گرفتار شد که در مقطعی رها شده و فقط هوادارانش را داشت. از این رو باید بگوییم این تیم تراکتور که امروز می بینیم تیمی است که بعد از تجربه قهرمانی در جام حذفی از هم پاشید و دوباره متولد شد. بدون شک همه این فرازونشیب ها نیز به واسطه مالک دمدمی مزاجی چون محمدرضا زنوزی بود که همواره این تیم را دستخوش حواشی می کرد؛ از بدهی های سنگین، پنجره بسته تا تغییرات مکرر در پست های مختلف همه به دلیل بی ثباتی در تصمیمات زنوزی بود.

با این حال به نظر می رسد دوران آزمون و خطا در تراکتور به سر آمده و حالا این مالک آنقدر تجربه کسب کرده که بتواند تیمش را این فصل بدون خطر در لیگ حفظ کند. شروع او در فصل نقل و انتقالات با به خدمت گرفتن قربان بردیف خوب بود و این طور به نظر می رسد که همچنان ادامه خواهد داشت. باید دید زنوزی با این همه اشتباهاتی که داشت در فصل جدید با توجه به تورم موجود در جامعه و افزایش قیمت دلار چه راهکاری برای نجات تیمش پیدا خواهد کرد. در این شماره از روزنامه «فرهیختگان» به حواشی انتخاب این مربی و آنچه ممکن است در آینده برای این تیم پرطرفدار رخ دهد، می پردازیم.

ساغلام و جدایی عجیبش

باشگاه تراکتور با ساغلام ترکیه ای قراردادی یک سال و نیمه بسته بود. به گفته میرمعصوم سهرابی، مدیرعامل این باشگاه مبلغ قرارداد او مشخص بود و این مربی به بهانه درخواست

قربان بردیف؛ همه کاره ای که سرمربی تبریزی هان نیست!

پروژه مشترک آزمون و زنوزی

■ مالک تراکتور شرط اسپانسر مخفی را می پذیرد یا بمب می ترکاند؟

هم نزد او مقبول است و هم تراکتوری ها قبولش دارند. از این رو اصلا عجیب نیست که واسطه این اتصال باشد. درواقع تراکتوری ها به بهترین شکل از این رابطه استفاده کردند و فردی را

انتخاب

کردند که کارش را در عرصه مربیگری بلد است. او هرچند فصل قبل در تیمی قزاقستانی موفق نبود اما حالا با تراکتور آرزوهای بزرگی دارد. آزمون نقطه قوت اوست و اعتباری است که می تواند با آن در ایران پز بدهد. درواقع او از نام آزمون برای این انتقال بهترین بهره را برد و همچنان با اعتبار او در ایران پیش خواهد رفت.

تکیه بردیف به آزمون

جالب است که در بیانیه باشگاه تراکتور آمده بردیف مسئول فنی تیم تراکتور است و هیچ جا به عنوان سرمربی اشاره نکرده است. این کلمه تامل برانگیز مسئول فنی شبیه ایجاد می کند و ما را به یاد همان اتهام معروف همیشگی می اندازد که فلان مربی خارجی دلال است. این مرد کهنه کار روس قرار است علاوه بر اینکه روی مسائل فنی باشگاه تراکتور تاثیر مستقیم داشته باشد، از رده نونهالان تا تیم بزرگسالان را زیرنظر بگیرد و در فصل نقل و انتقالات امسال هم نقش پررنگی داشته باشد. درواقع اوست که بازیکنان لیگ پیش رو را برای تراکتور جذب می کند و در این راه نیز به مسئولان باشگاه حتی مدیرعامل اجازه دخالت نمی دهد. این طور شنیدیم که امین او آزمون است. او به خوبی فوتبال ایران، لیگ برتر و بازیکنان شاغل در آن را می شناسد و از طرفی از نیاز تراکتور هم خبر دارد، از این رو قرار است

به عنوان مشاور به بردیف کمک کند. حتی گفته می شود آزمون قرار است برخی ملی پوشان را به تراکتور وصل کند تا شاید به این شکل توافقاتی حاصل شده و آنها پیراهن تراکتور را بپوشند.

در همین خصوص صحبت از انتقال احسان حاج صفی، محمد مجبی و کریم انصاری فرد مطرح شده و ممکن است گزینه های دیگری هم وجود داشته باشند. خصوصا آنهاپی که با الان ملی پوش هستند یا در سال های اخیر پیراهن تیم ملی را پوشیده اند. البته سردار به این خبر واکنش نشان داده و اعلام کرده فقط به بردیف بازیکن معرفی کرده و دخالت خاصی در امور تراکتور ندارد، با این حال به نظر می رسد تیم خاصی قرار است این فصل تراکتور را ببندد و آنها از بین اعضای این باشگاه نیستند. به این ترتیب تلاش های کمیته فنی تیم تراکتور که به همراه ساغلام در ۴ هفته پایانی لیگ بازیکنان را زیرنظر گرفتند و لیستی از نیازهای تیم تهیه کردند، بی فایده بوده و به کار این مربی نمی آید.

شرط اسپانسر برای تراکتور

اینکه فکر کنیم این بار زنوزی بازم جوگیر شده و می خواهد در فوتبال بریزوپاش کند خیالی باطل است. او در اصل همان طور که پیش تر نوشتیم به پشتوانه اسپانسر مخفی که نمی خواهد علنا وارد عرصه تیمداری در تبریز شود، حمایت خواهد شد. از این رو این اسپانسر برای حمایت از این تیم شرط و شروطی دارد؛ شرطی که جلوی هزینه های سنگین را می گیرد. اینکه بردیف به ایران آمده پروژه ای مشترک بین آزمون و زنوزی است. از این رو هزینه به خدمت گرفتن این مربی را باید پای زنوزی نوشت و او خود این هزینه را پرداخت می کند. درمورد دیگر فعالیت های تراکتور اما مبلغی از سوی این اسپانسر پرداخت خواهد شد و زنوزی باید در ازای آن تا سقف مشخصی در بازار نقل و انتقالات فعالیت کند. با این حال تراکتور بازیکنان زیادی لازم دارد و فصل قبل در بسیاری از پست ها ضعیف بود و حتی بازیکن نداشت. از این رو عجیب نیست که او علاوه بر سهمیه مشخص لیگ برتر، بخواهد از بازیکنان خارجی یا سهمیه های ایرانی خارج از لیگ استفاده کند. به این ترتیب شروط این اسپانسر در فعالیت باشگاه تراکتور تاثیر گذار است حتی اگر مسئول این انتقالات خود بردیف باشد؛ چرا که او هم باید از قوانین مالی باشگاه تبعیت کند!

